

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

دیلیم

۲۱ سپتمبر ۲۰۱۸

اوضاع خوبست

دنیا را همه یک سان نمی بینند. تفاوت ها ، ناشی از موقعیت اجتماعی در درجه اول و ناموزونی سطح دانش و فرهنگ است. موقعیت اجتماعی انسان ها در مناسبات تولیدی و باز تولید تعیین کننده نظرات و عقاید آنهاست مگر این که آگاه شوند . گفته ایست از لنین چنانچه منافع افراد در میان باشد بدیهی ترین فرمول ریاضی هم زیر سؤال می رود و دو تا می شود پنج تا. در جامعه سرمایه داری انسان باید خود را سداً در جست و جوی حقیقت باشد و نه آنچه که هست و عرضه می شود – به پدیده ها ، نظرات و جریانات عمومی تبلیغاتی و فرهنگی حاکم باید با دید شک و تردید نگاه کرده ، به آمار و فاکت های مبلغان اعتماد نکند. هر نظر و سیاستی را مورد بررسی قرار دهد و در جست و جوی آن باشد که منافع کدام طبقه پشت آن پنهان است.

در اوضاع کنونی که هرج و مرجی بس دامنه دار جهان سرمایه داری را فرا گرفته است و موج های بحرانی ساختار شکن یکی پس از دیگری بنیاد نظام سرمایه داری را شدیداً تکان می دهد مراکز فکری جمعی کمونیستی را طلب می کند که بتوان به این اوضاع نسبتاً بغرنج و متحول جوابی به سود کارگران و انقلاب جهانی داد. اگر بنا بود که تئوری ها و اصول همه پاسخ ها را برای پیشروی پرولتاریا به جلو بدهد که کاری آسان می شد، "جوهرمارکسیسم در تلفیق آن با شرایط مشخص است " طبیعی است که از دانشمندان و استادان دانشگاه نمی توان انتظار داشت آن چنان مراکز فکری باشند که راهکارهای ادامه رهائی پرولتاریا را نشان دهند. مارکس و انگلس خود جزو فعالان جنبش تازه پا گرفته کارگری و کمونیستی بودند و لنین خود را یک اکتیویست معرفی می کرد تا تئوریسین. امروز هم جنبش کمونیستی کارگران و روشنفکران کمونیستی را طلب می کند، که در موضع تاریخی طبقه قرار گیرند و با کارجمعی و تحقیق و بررسی مشخص و با سبک کار مارکسیستی از توده به توده ، از عمل به تئوری و باز هم از تئوری به عمل ، جمع بندی از هر قدم عملی و یافتن درست و نادرست و مهمتر نقد دایمی برای رفع اشتباهات، به اوضاع کنونی پاسخ گویند.

لاشه گندیده نظام سرمایه داری اسلامی حاکم در ایران که فساد و جنایت سراسر آن را فرا گرفته است فرومانده و درمانده توی خیابان هاست ، امپریالیسم و رأس آن ترمپ و دارودسته اش می خواهند آن را به سود خود به خاک سپارند و برای انجام اینکار به پشتیبانی کلیه مخالفان رژیم حاکم ضد کارگری و ضد کمونیست بر خاسته از اصلاح طلبان داخل و خارج گرفته تا مجاهدین ، ناسیونالیست های ملیت های ایران تا سلطنت طلب ها نیازمند است. همه این ها در پی استقرار نظامی دیگر از نوع سرمایه داری اند و هدفی جز ادامه استثمار کارگران در سر ندارند.

به این جبهه جهانی ضد رژیم ایران همچنین از سوی ارتجاع منطقه ئی به ویژه عربستان و اسرائیل همه جانبه تقویت می شود. در مقابل این جبهه بدیل کارگری و چپ و کمونیست قرار دارد که ضمن هدف قرار دادن رژیم حاکم و مبارزه برای سرنگونی نه به امپریالیسم و دشمنان قسم خورده ضد کمونیست منطقه می گوید و برای آزادی ، استقلال و ایرانی سوسیالیستی با تکیه به عظیم ترین نیرو های توده ئی مبارزه می کند. از این دیدگاه و مشی عمومی سیاسی است که کمونیست های موجود ایرانی باید از پراکندگی دوری جویند، متحد شوند و راهکارهای نوینی را طبق شرایط موجود برای سازماندهی بدیل سوسیالیستی در برابر بدیل دیگر و بر داشتن جنازه جمهوری اسلامی اش به سود کارگران و توده عظیم مردم ایران ارائه دهند. اوضاع برای بدیل کارگری هر روز بهتر می شود. طبقات و نمایندگان سیاسی طبقات اوضاع را متفاوت می بینند. خوشبختانه امروز دیگر برای کارگران ایران روشن است سرمایه داران برای منافع خود کار می کنند. البته سرمایه داران و نمایندگان سیاسی آنها زودتر از کارگران در همان یورش های اولیه کارگران به دژ سرمایه، به گفته داهیانه کارل مارکس باور آوردند که کارگران گور کن نظام سرمایه داری اند.

سرمایه داران شاید هیچ گاه کتاب سرمایه مارکس را نخوانده اند اما بخوبی به مبارزه طبقاتی آگاهند و بخوبی دشمن خود را طبقه کارگر می دانند و مراکز فکری آنها و کلیه مؤسسات فرهنگی و تحقیقاتی آنها چنان هدایت می شوند که طبقه کارگر را در زنجیر بردگی نگهدارند. البته نه به صورت برده داری زنجیر به پا بلکه با شیوه های به روز شده سلطه. اما متأسفانه هنوز در صفوف اقشار خرده بورژوا بعضی ها چنین می پندارند که سرمایه دارها و دولت های آنها برای پیشرفت علم و راحتی بشریت است که آزمایشگاه های تحقیقی بر پا می دارند و راه های حل مؤثرتری را برای کار آمدی پیدا می کنند. نه سرمایه دار با هدف سود بیشتر اینکار را انجام داده و پیوند ناگسستی با خوارکردن نیروی کار، با دهن کجی به آن کردن و نهیب زدن به کارگران است اگر تسلیم نشوی ماشین جاییت را خواهد گرفت. سرمایه دار نمی تواند جز به سود بیشتر از طریق استثمار کارگران عمل کند. در جامعه طبقاتی ما نه گرایش علمی بیطرف داریم و نه تکنولوژی بدون طبقه. در جامعه طبقاتی هم اندیشه و هم رفتار و کردار انسان ها مهر طبقاتی خورده است. بدیل امپریالیستی ترمپ و دارودسته های پشتیبانش به طبقه جهانی سرمایه تعلق دارد. متأسفانه شاگردان مارکس به خوبی که سرمایه داران مارکس را فهمیده اند آنها نفهمیده اند. چنانچه علل اصلی شکست های پرولتاریا را بررسی کنیم می بینیم ریشه در عدم درک همه جانبه کمونیست ها از نقش کارگر کش سرمایه داری دارد.

پنجاه سال پیش هنگامی که سا زمان انقلابی حزب توده ایران با نقد مشی رفرمیستی رهبری از آن جدا شد و پای در عمل برای سازماندهی کمونیستی برای انقلاب کردن گذاشت، پس از شرکت عملی اولیه در پراتیک اجتماعی و تحقیق و بررسی از اوضاع مشخص ایران متوجه شد که تأکید یک جانبه روی مبارزه مسلحانه براساس ارزیابی ذهنی از اوضاع ایران بوده و شرایط برای آن فراهم نیست این گام نخست در شناخت واقعی از ایران بود اما هنوز باید در درون خود به مبارزه میان دو خط ادامه می داد. هنوز باید در پیوند با کارگران قرار می گرفت تا به عمق آموزش های کمونیستی پی می برد و انشعاب اول بر سر همین موضوع بود. سازمان انقلابی به چهار دسته تقسیم شدند:

آنهايي که در پی احیای حزب توده بودند و اصرار داشتند که حزب توده نه رفرمیست بلکه انقلابی و کمونیستی بوده است.

آنهايي که همچنان روی مبارزه مسلحانه جدا از توده ها و چریکی پافشاری کردند و اولین عملیات خود را هم با موفقیت به سرانجام رساندند،

آنهايي که متوجه شدند انقلاب کردن آنهم روی خط مشی مسلط در سازمان انقلابی که از همان آغاز پایه ریزی شده بود رفتن به ایران و ادامه مبارزه در داخل سخت است و عمدتاً به مبارزات دمکراتیک خارج خود را محدود کردند ،

سازمان انقلابی اکثر کادرهای خود را که از روشنفکران به ویژه دانشجویان خارج کشور بودند برای سازماندهی و نوسازی آنها به درون کارگران گسیل کرد. در میان این رفقاء دکترهای تحصیل کرده از آلمان و آمریکا هم بودند. تجربه بسیار خوبی بود در درک بیشتر وضع فلاکت بار کارگران ایرانی مهاجر در کویت و دبئی. اما برجسته ترین دست آورد که مربوط به نقطه نظر طرح شده در این نوشته است پی بردن باز هم بیشتر به کینه سرمایه داران نسبت به کارگران و آگاهی یافتن آنها بود.

رفیق عباس تمبرچیان که زندگی در کالیفرنیا را رها کرد و با شور و شوق و مصمم به دبی رفت و برای مدت طولانی به یک کارگر پنجره ساز و تراش کار در یک کارگاه دبی تبدیل شد در گزارش خود در آن زمان نقل کرد: روزی یکی از رفقای پزشک ما را که در یک کارخانه کوچکی کار می کرد و کارگران او را به خاطر رفتار کمونیستی اش دوست داشتند، صاحب کار صدا می کند و می گوید حرف با کارگران بزنی با دو هزار دینار می توانم بدم سرت را ببرند و همین پشت دیوار کارخانه چالت کنند. یاد رفیق عباس تمبرچیان عضو دفتر سیاسی حزب رنجبران ماندگار باد که سال ها بعد به دست جلادان رژیم اسلامی در خراسان دستگیر و به جوخه اعدام سپرده شد. عباس همیشه تأکید می کرد چند سال کارمیان کارگران و کارکردن درک مرا نسبت به آموزش مارکس در مورد نقش سرمایه و دشمنی سرمایه دار با کارگر همه جانبه کرد.

در این زمانه پر آشوب که بار دیگر مبارزه طبقاتی به مرحله حادی رسیده و طبقه کارگر هر روز استوارتر برای کسب حقوقش مبارزه می کند و متشکل ترمی شود، چنانچه کمونیست ها بخواهند در خدمت آن قرار گیرند تا این که به مانند فرقه ای جدا گانه عمل کنیم باید درک همه جانبه ای از صف آرائی طبقاتی بین بورژوا و پرولتاریا در ایران کنونی به دست آوریم. تمام نقشه ها و پیشنهادات، بدیل ها و راه های حل مطروحه مهر طبقاتی خورده اند. از سلطنت طلبان گرفته تا مجاهدین، از دمکرات های سکولار گرفته تا اصلاح طلبان رنگارنگ برای نجات نه ایران بلکه برای نجات سرمایه داری کار می کنند.

بی خود نیست آنها حتا بدیهی ترین وقایع تاریخی را نادیده می گیرند، نتایج کودتای بیست و هشت مرداد[اسد] ۳۲ را حتی بخشی از ملیون فراموش می کنند و بخشی از سلطنت طلبان هم که دست در دست دستگاه های امنیتی آمریکا و اسرائیل و عربستان داده اند نقش آمریکا را در براندازی شاه شان در انقلاب ۵۷ زیر سیلی رد می کنند و به گفته لنین دو دو تا را پنج می دانند.

درست بر اثر همین چرخش بازیگران سیاسی ناسیونالیست های ملیت های ایران و رهبران خود فروخته مجاهدین، سلطنت طلبان است که ترمپ و دارودسته اش دور گرفته و بدون در نظر گرفتن خواست اکثریت مردم که سال هاست برای سرنگونی رژیم جنایتکار حاکم مبارزه می کنند در برابر جنبش عظیم کارگری مستقل ایران دارودسته های دست پرورده خود را با پول جیبی های سخاوتمندانه به عنوان بدیل آینده پشتیبانی می کنند. شرم باد بر خود روشانی که به حکم وزارت امور خارجه آمریکا و جنایتکاران صهیونیستی اسرائیل در پی رهبر سازی برای جنبش توده های مردم ایران هستند. تاریخ تکرار می شود. باز هم همانند دوران کودتای بیست و هشت مرداد ۳۲ و انقلاب ۵۷ امپریالیسم نقش عمده را در میدان داری بازی می کند و با امکانات و جاسوسانی که در سطح رهبری های آنها دارد تلاش می کند صف متحدی از این دسته ها درست کند تا عبور از رژیم ولایت فقیه را به سود غارت بیشتر و استقرار نظامی سرمایه داری با رنگ و لعاب نوینی آسان تر سازند. هدف یکی است سرکوب جنبش به پا خاسته توده ئی کنونی، منحرف کردن آن. تلاش در جلوگیری از رادیکالیزه شدن جنبش عظیم توده ئی که چون طوفانی سهمگین دیر یا زود با شرکت متشکل تر طبقه کارگر، با متحد شدن کمونیستها در حزبی در پیوند فشرده با طبقه، با یک مشی عمومی سیاسی که ضد سرمایه

داری حاکم و امپریالیسم است و هدفی جز سوسیالیسم در پیش ندارد بر می خیزد. چنین است اوضاع و صفتی های سیاسی کنونی.

اوضاع خوبست و به سود کارگران و زحمتکشان وتوده های عظیم مردم در حال تکامل است. کمونیستها و نیروهای ضد امپریالیست و ضد رژیم سرمایه داری حاکم از خیزش عظیم مردمی دیماه [جدی] ۹۶ با شورش و استقبال کردند و آن را آغازی برای پیشروی برای گرفتن قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر دانستند، این یک ارزیابی درست و یاری دهنده به جنبش کارگری بود. کمونیستها بنا به آموزش های داهیانه مارکس متعلق به طبقه کارگر اند، فرقه ودسته ای جدا از طبقه نیستند و درست از این موضع و با جهانیابی طبقه کارگر است که اوضاع کنونی را خوب ارزیابی می کنند. دشمنان طبقه کارگر چه آنها که حاکمند و چه آنها که در مخالفت با حکومت به یاری امپریالیستها و مرتجعان منطقه در پی به قدرت رسیدن اند ظاهراً پر قدرت به نظر می رسند اما هم در درون خود دارای تضاد هستند و هم با خیزش هر چه بیشتر جنبش توده ها در ایران منفرد تر می شوند. کمونیست های ایران امروز پس از صد سال مبارزه و تاریخ خونبار لشکر آنها با درایت تر باید عمل کنند و در جهت تاریخ حرکت نمایند هر روز که می گذرد پایه های جنبش های توده ئی گسترش می یابد و متشکل می شود، هر روز گور کنان سرمایه داری دست به اعتصاب می زنند و هر روز آگاهتر از روز قبل در عمل در رو در روئی با سرمایه داران و مأموران امنیتی آنها به توانائی و قدرت خود پی می برند. چنین است اوضاع از دید واقعی طبقاتی و جهانیابی پرولتاریا.

بورژواها چه آنها که حاکمند و چه آنهایی که می خواهند جای آنها را بگیرند ایران را در حال فرو پاشی می بینند. حاکمان در مانده و حلقه به حلقه در محاصره مخالفانشان. بدیل بورژوازی مخالف در پی ره یابی میان بری با یاری امریکا هستند که به اصطلاح به هرج و مرج کنونی پایان دهند و بار دیگر در لباسی دیگر حکومتی اما سکولار بر پاسازند و طبقه کارگر را همچنان در قید نظام سرمایه داری مهار کنند.

طبقه کارگر نه در بازار بورس شریک است و نه در خرید و فروش دالر دستی دارد. هرج و مرج کنونی را پرولتاریای ایران می تواند تبدیل به یک موج انقلابی کند و به عنوان یک بدیل سیاسی برای تغییر بنیادی جامعه در صحنه سیاسی به طور مؤثر حاضر شود.

کمونیستها بار دیگر برخاسته اند، خون های ریخته شده رفقاییشان را پاک کرده، غم ها و زخم های عمیق را به نیرو باید تبدیل کنند، به دوران پراکندگی و فرقه گرایی نه بگویند از سراسر جهان که پراکنده شده اند و از قعر کارخانه ها که سال هاست با درد و زحمت زیاد به کار مشغول بوده اند فریاد یکی شدن را بلند و بلند تر کنند. "باید یکی شویم، آنها هراسشان از یکی شدن ماست"

به دورباد طاعون پراکندگی و فرقه گرایی

زنده باد جنبش نوین یکی شدن و پیوند با جنبش کارگری عظیم ایران

پیروزی بدیل طبقه کارگر حتمی است و نجات مردم ایران از همین راه به دست می آید

نه به تمام کوره راه های حل و بدیل های بورژوائی و امپریالیستی.

دیلیم - ۱۵ اگست ۲۰۱۸

منتشره در رنجبر ۱۶۰